

امام علی(ع)

با دوست خود در اظهار محبت سنگ تمام بگذار ولی صدردصد به او اعتماد نکن و بشیوه اختیاط پیشه کن و با او به مواسات رفتار کن اما همه اسرار خود را به او مگو

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌انیتاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سر‌دبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۲۷

پایمرسان: @vatanemrooz | پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: ایران کهن

دومینوی بحران از خلیج فارس تا اروپا؛ چگونه تنش در خلیج فارس یقه اقتصاد اروپا را گرفت؟

فرانسه در آتش بدهی وانرژی



گروه اقتصادی:فرانسه این روزها با مساله‌ای روبه‌رو است که از پمپ بنزین آغاز شده، به کلاس درس رسیده، از تالار معاملات اوراق قرضه عبور کرده و سرانجام مقابل در پارلمان پاریس ایستاده است. قیمت انرژی بالا رفته، هزینه استقراض دولت سنگین‌تر شده، دانش‌آموزان و کارکنان دولت به خیابان آمده‌اند و کابینه باید بودجه‌ای را به تصویب برساند که از مردم می‌خواهد کمربندها را سفت‌تر کنند.

در نگاه اول شاید هر کدام از این رخدادها داستان جداگانه‌ای داشته باشند. ماهیگیری که از قیمت گازوئیل شکایت دارد، چه ارتباطی با بازده اوراق ۱۰ ساله فرانسه و جنگ غرب آسیا دارد؟ اعتراض دانش‌آموزی به کمبود معلم، چگونه به تنگه هرمز مربوط می‌شود؟ پاسخ در وضعیت مالی دولت فرانسه نهفته است. کشوری که سال‌ها با کسری بودجه و بدهی فزاینده زیسته، اکنون با یک شوک بیرونی انرژی روبه‌رو شده؛ شوکی که درست در زمانی نامناسب از راه رسیده و حاشیه مانور دولت را کمتر کرده است.

بانک مرکزی فرانسه در گزارش ثبات مالی اخیر تصریح کرده جنگ ایران و مسدود شدن تنگه هرمز، بازارهای جهانی کالا و انرژی را با یک شوک منفی عرضه مواجه کرد. اهمیت موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم به ارزیابی همین بانک، پیش از بحران حدود ۲۰ درصد مصرف جهانی هیدروکربن از این گذرگاه عبور می‌کرد. فرانسه اگرچه به لطف نیروگاه‌های هسته‌ای نسبت به بسیاری از اقتصادهای اروپایی در تولید برق آسیب‌پذیری کمتری دارد اما در حمل‌ونقل، صنایع و فرآورده‌های نفتی همچنان در برابر تکانه قیمت نفت و گازوئیل مصون نیست.

■ **زخمی قدیمی به نام بدهی**

سال‌هاست دولت فرانسه بیشتر در درآمدهایش هزینه می‌کند. بدهی عمومی این کشور به حوالی ۱۲۰ درصد تولید ناخالصی داخلی نزدیک شده و کسری بودجه نیز همچنان یکی از بالاترین سطوح را در میان اقتصادهای بزرگ منطقه یورو دارد. دولت در بودجه ۲۰۲۷ می‌خواهد کسری را به حدود ۵ درصد تولید ناخالصی داخلی کاهش دهد؛ رقمی که باز هم با سقف ۳ درصدی قواعد مالی اتحادیه اروپایی فاصله دارد. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز پیش‌تر هشدار داده بود اگر اصلاحات مالی جدی‌تری انجام نشود، نسبت بدهی فرانسه می‌تواند مسیر صعودی خود را ادامه دهد.

مساله فقط اندازه بدهی نیست، قیمت این بدهی نیز بالا رفته است. بازده اوراق ۱۰ ساله فرانسه در روزهای اخیر تا نزدیکی ۴ درصد پیش رفت؛ سطحی که از سال ۲۰۰۲ مشاهده نشده بود. فاصله سود اوراق فرانسه با اوراق آلمان نیز از ۱،۵ واحد درصد عبور کرد و به بالاترین محدوده خود از بحران بدهی اروپا نزدیک شد. زبان بازار را اینجا این است که سرمایه‌گذار برای قرض دادن پول به پاریس، پاداش بیشتری می‌خواهد، زیرا نسبت به آینده مالی و سیاسی فرانسه محتاط‌تر شده است.

برای خانواری که وام گرفته، بالا رفتن نرخ بهره، یعنی بخش بزرگ‌تری از درآمد ماهانه باید صرف اقساط شود. دولت هم تفاوت بنیادی با آن خانواده ندارد؛ بدهی‌های قدیمی سررسید می‌شود و باید با اوراق تازه جایگزین شود اما این بار با نرخ‌های بالاتر.

آژانس خزانه‌داری فرانسه اعلام کرده نیاز تأمین مالی دولت در سال ۲۰۲۷ به حدود ۳۳۹،۷ میلیارد یورو خواهد رسید و پاریس قصد دارد حدود ۳۴۰ میلیارد یورو اوراق میان‌مدت و بلندمدت منتشر کند. تنها هزینه بودجه‌ای بدهی دولت در سند رسمی بودجه حدود ۷۲،۹ میلیارد یورو پیش‌بینی شده است. برخی محاسبات گسترده‌تر که کل هزینه بهره بدهی عمومی را در نظر می‌گیرند، رقمی بالاتر و نزدیک ۹۰ میلیارد یورو را نشان می‌دهند. معنای بار دو عدد یکی است؛ یعنی سهم بزرگ‌تری از پول دولت باید برای پرداخت بهای بدهی‌های گذشته کنار گذاشته شود.

■ **دومینوی تورم از خلیج فارس تا خیابان‌های پاریس**

در همین نقطه شوک انرژی وارد داستان می‌شود. اقتصاد فرانسه مشکل بدهی داشت، سپس جنگ در غرب آسیا مسیر عرضه انرژی را مختل کرد. افزایش قیمت نفت و به‌ویژه فرآورده‌های نفتی، هزینه حمل‌ونقل و تولید را بالا برد و موج تازه‌ای از فشار تورمی را در اروپا پدید آورد. برآورد اولیه یورواستات نشان می‌دهد تورم سالانه منطقه یورو در شهریور به ۳،۸ درصد رسیده، در حالی که یک ماه قبلی ۲،۲ درصد بود. مهم‌ترین عامل این جهش انرژی بوده است. تورم سالانه انرژی در همین ماه به ۱۸،۸ درصد رسید، در برابر ۱۴،۳ درصد در تیرماه. این ارقام برای فرانسه ۲ پیام ناخوشایند دارد: خانوارها قدرت خرید خود را از دست می‌دهند و دولت برای جبران فشار اجتماعی با تقاضای بیشتری برای کمک و حمایت روبه‌رو می‌شود.

ماجرای دوباره گازوئیل حساس‌تر است. گازوئیل خون شبکه حمل‌ونقل کالا، بخش کشاورزی، ماهیگیری و قسمت‌هایی از صنعت اروپاست. گزارش‌های رویترز نشان می‌دهد صادرات فرآورده‌های پالایشی خلیج فارس هنوز بسیار پایین‌تر از شرایط پیش از جنگ قرار دارد. در شهریور جریان کلی نفت کشورهای خلیج فارس بهبود یافت اما صادرات فرآورده‌هایی مانند سوخت‌های پالایش‌شده با سرعت کمتری ترمیم شد. همین کمبود، بازار جهانی گازوئیل را تحت فشار نگه داشته است.

فرانسه اتفاقا یکی از بزرگ‌ترین ذخایر اضطراری گازوئیل اروپا را در اختیار دارد. بر اساس داده‌های مورد استناد رویترز، موجودی اضطراری گازوئیل این کشور حدود ۸،۲ میلیون تن است. فشار آمریکا و دیگر شرکا بر پاریس و برلین برای آزادسازی بخشی از ذخایر نشان می‌دهد مساله از نوسان عادی قیمت‌ها عبور کرده و به موضوع سیاست‌گذاری انرژی تبدیل شده است.

گروه ۷ نیز سرانجام با آزادسازی ۱۰۰ میلیون بشکه نفت و فرآورده از ذخایر اضطراری موافقت کرد. اثر اولیه این تصمیم در بازار دیده شد و قیمت نفت برنت روز سه‌شنبه به طور موقت به حوالی ۹۹،۵ دلار رسید اما خطر اختلال دوباره در صادرات منطقه همچنان پابرجاست.

■ **بازگشت خاطره جلیقه‌زدها**

در فرانسه قیمت سوخت یک خاطره سیاسی خاص دارد و فراتر از مساله متغیر اقتصادی است. سال ۲۰۱۸ تصمیم برای افزایش مالیات سوخت قرقه جنبش جلیقه‌زدها را زد؛ اعتراضی که ابتدا از قبض بنزین و گازوئیل آغاز شده بود، خیلی زود به بحث عدالت اقتصادی، قدرت خرید و رابطه شهروندان با حکومت رسید. این تجربه هنوز در حافظه کاخ الیزه زنده است.

اکنون نشانه‌های مشابهی دیده می‌شود. ماهیگیران فرانسوی در اعتراض به هزینه بالای گازوئیل برخی بنادر و پایانه‌ها را مسدود کرده‌اند و دولت ناچار شده حمایت‌های اضطراری مربوط به سوخت را ادامه دهد. هم‌زمان بخش‌های دیگری از جامعه نیز وارد میدان اعتراض شده‌اند. رویترز در میانه اواخر شهریور گزارش داد بالا رفتن هزینه انرژی یکی از عواملی است که مناقشه بودجه‌ای دولت را دشوارتر کرده و فشار گروه‌های اجتماعی را برای دریافت حمایت افزایش داده است. این پیوند برای فهم مساله فرانسه بسیار مهم است: دولت از یک طرف می‌خواهد خرجش را پایین بیاورد و از سوی دیگر، همان مردمی که قرار است بخشی از این صرفه‌جویی را تحمل کنند، با سوخت گران‌تر، قدرت خرید کمتر و خدمات عمومی تحت فشار روبه‌رو شده‌اند.

پاریس باید هم‌زمان پایش را روی ترمز بودجه بگذارد و از موتور اقتصادی و اجتماعی کشور نیز مراقبت کند. فشار بیش از اندازه بر ترمز می‌تواند اعتراض ایجاد کند و برداشتن پا از روی ترمز، هزینه استقراض را بالا می‌برد.

■ **کلاس‌های خالی، خزانه خالی‌تر**

شاید روشن‌ترین تصویر این بن‌بست را بتوان پشت در

دبیرستان‌های فرانسه دید. اعتراض‌هایی که در حومه پاریس بر سر کمبود نیروی آموزشی و امکانات مدارس آغاز شد، طی چند هفته به بحرانی ملی بدل شده است. بر اساس گزارش اخیر رویترز، موج محاصره مدارس و تظاهرات دانش‌آموزان به شهرهایی مانند پاریس، لیل، مارسلی و نانت گسترش یافته و بیش از ۵ هزار نفر، عمدتاً نوجوان، از آغاز اعتراضات بازداشت شده‌اند.

چند روز پیش از آن نیز نزدیک ۴۰۰ مدرسه تعطیل شده بود. دانش‌آموزان از کلاس‌های شلوغ، کمبود معلم و فرسودگی ساختمان‌ها می‌گویند. کارکنان بخش عمومی هم به برنامه‌های انقباضی بودجه اعتراض کرده‌اند. اینجا تناقض دردناک اقتصاد فرانسه نمایان می‌شود: دانش‌آموز می‌گوید مدرسه پول بیشتری لازم دارد، معلم افزایش دستمزد می‌خواهد، ماهیگیر برای گازوئیل ارزان‌تر فشار می‌آورد، یازنشته حاضر نیست قدرت خرید مستمرش‌اش کاهش یابد، ارتش با توجه به تحولات امنیتی اروپا بودجه بیشتری طلب می‌کند و در مقابل، خزانه می‌گوید پول ارزان تمام شده و بازار اوراق نیز برای هر یوروی تازه نرخ بیشتری طلب می‌کند.

دولت در بودجه ۲۰۲۷ مجموعه‌ای از افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش هزینه‌ها را پیشنهاد کرده است. محدود کردن افزایش برخی مستمری‌ها، کاهش معافیت‌های مالیاتی یازنشستگان، صرفه‌جویی در بخش سلامت و تغییر برخی

مزایا جزو برنامه‌هاست. هدف این است کسری بودجه به ۵ درصد تولید ناخالص داخلی برسد. همین نسخه مالی، سوخت سیاسی زاره‌ای برای اعتراض فراهم می‌کند.

■ **ریسک سیاسی در قبض بهره دولت**

بدهی فرانسه هنوز به معنای ورشکستگی قریب‌الوقوع این کشور نیست. اقتصاد فرانسه عضو هسته مرکزی منطقه یورو است اما بازار یک نگرانی واقعی دارد که چه کسی قرار است

هزینه اصلاحات را بپردازد؟

پارلمان فرانسه پراکنده است، انتخابات ریاست‌جمهوری در بهار آینده برگزار می‌شود و ۲ سال گذشته نشان داده بودجه می‌تواند دولت‌ها را زمین بزند. سرمایه‌گذار هنگام خرید اوراق قراضه دیگر صرفاً به نسبت بدهی نگاه نمی‌کند و به توان سیاسی پاریس برای کنترل آن نیز نگاه می‌کند. به همین علت افزایش فاصله بازده اوراق فرانسه و آلمان اهمیت دارد. بازار همچنان آلمان را الگر امن منطقه یورو می‌بیند. هرچه فاصله نرخ فرانسه با آن بیشتر شود، بخشی از هزینه اختلافات سیاسی پاریس مستقیماً در قبض بهره دولت ظاهر خواهد شد.

رئیس بانک مرکزی فرانسه دیروز هشدار داد کشور ممکن است بر اثر نرخ‌های بهره «خفه شود»؛ تعبیری تند از سوی مقامی که معمولاً محتاط سخن می‌گوید. این پیام یعنی بانک مرکزی اروپا نمی‌تواند جای اصلاح مالی دولت فرانسه را بگیرد.

ضربه ترمیم‌ناپذیر

روژه داشت که با دادن جسد ۲ اسیر اسرائیلی توانست ۶ زندانی مهم خود که یکی از آنها شهید سمیر قطار بود و ۲۰۰ جنازه لبنانی و فلسطینی را تحویل بگیرد. از همین رو بود که رژیم، ساختار امنیتی خود را خصوصاً در کرانه باختری و نطافی که احتمال ارتباط میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها بود، بشدت سخت کرد تا احتمال ربودن نیروهای نظامی خود را به صفر برساند. روند بی رویه شهرک‌سازی که خلاف قرارداد اسلو و توافقات جهانی بود، محاصره بی‌رحمانه ۲،۳ میلیون انسان در غزه که فقط در یک مورد گفته می‌شود به خاطر کمبود داروی سرطان سالانه بیش از ۲۰۰ نفر در آنجا جان خود را از دست می‌دادند و ده‌ها موضوع دیگر، از منظر یک فلسطینی، هر روز، امید به زندگی و آینده را تار و تیره‌تر می‌کرد. رأی آوردن تندروهای مذهبی و راست افراطی در انتخابات داخلی و انتخاب ۲ وزیر تندرو به نام‌های اسموتریچ و بن‌گویر، در حکم تیر خلاص بود و همه را به این نتیجه رساند که مسیر سخت‌گیری تازه شروع شده است.

فلسطینی‌هایی که یک بار آواره شده بودند، مثل ۷۰ درصد اهالی غزه که از نقاط دیگر فلسطین به اینجا کوچ داده شده بودند، دیگر نمی‌توانستند حتی تصور یک اخراج اجباری دیگر را بکنند ولی زمزمه‌های وزرای دولت نتانیاهو و حمایت‌های ترامپ، کاکایت از یک برنامه‌ریزی جدی برای حل کامل مساله فلسطین به نفع اسرائیل داشت که حتی نظریه ۲ دولت هم در آن جایی نداشت! مسیری که در این سال‌ها شروع شده بود و حالا به نقطه پایان نزدیک می‌شد. برای فلسطینی‌ها، همه فلسطین خرمشهر است؛ چنانکه ما برای آزادسازی خرمشهر که شهری بسیار

ادامه از صفحه اول

مساله به همین‌جا محدود نم‌اند. اقتصاد، پل سیاست شد و ماجرا از عادی‌سازی فراتر رفت و به سمت پیوندهای جدی راهبردی با اقتصاد امارات و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس گام برداشت. از زیرساخت امنیتی تا حمل‌ونقل دریایی و هوایی و جاده‌ای تا تاهاب پول و کالا همگی با رژیم به اشتراک گذاشته شد و سعودی و اردن هم باید لاجرم به این مسیر اضافه می‌شدند. هم‌زمان جریانات افراطی راست مذهبی و سیاسی نیز در داخل رژیم به قدرت رسیدند و فضای ضدفلسطینی شدت گرفت. صراحتاً از لزوم تخلیه غزه و کرانه سخن گفته می‌شد و پس از انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶ و طرح وقیحانه «معامله قرن» آن‌ها برای تحقق نگرش‌های توسعه‌طلبانه‌شان نیز قدرت گرفت؛ یعنی به پشتوانه استقرار اقتصادی و امنیتی، همچنین توسعه ارتباطات سیاسی که در جهان و منطقه انجام داده بودند، به‌سرعت به سمت حذف کامل فلسطین از نقشه دنیا رفتند. عملاً طرح ترامپ به معنای سوزاندن ایده «دو دولت» بود که اروپایی‌ها و حتی دموکرات‌های آمریکا طرفدار آن بودند ولی مسیر افراط‌گرایی قدرت گرفته بود و پیش می‌رفت. این آ‌ مسیری بود که فلسطینی‌های هوشمند به‌خوبی آن را درک کردند. مسیر از بین رفتن تدریجی و بی‌سر و صدا و بدون هزینه کرانه باختری و غزه و قدس با سرعت در حال طی شدن بود و کسی هم به داد فلسطینی‌ها نمی‌رسید و ایده‌ای هم برای نجات فلسطینی‌ها از این باتلاق وجود نداشت. چند سال قبل، صهیونیست‌ها


کوچک در گوشه‌ای از خاک‌مان است، حداقل ۶۵۰۰ شهید و ۱۷۷۰۰ جانباز تقدیم کردیم-م هزاران جوان عزیز کشورمان برای بازپس‌گیری خاک‌مان فدا شدند، آنان نیز به آرمان بازگشت به وطن خود و مبارزه تا مرز شهادت برای بازپس‌گیری زمین و استیفای حقوق‌شان فکر می‌کردند.

به‌طور خلاصه باید گفت این عملیات، مسیر پرسرعت هیمنه رژیم موقت بر کل فلسطین و منطقه را با دست‌انداز مواجه کرد و اتفاقاً توانست ماهیت توسعه‌طلبانه آن را به‌خوبی آشکار کند و اگر حمایت‌های آمریکا و فشارهای جریان تندرو نبود، چه بسا حماس می‌توانست با بیش از ۲۰۰ اسیری که در ۱۷اکتبر گرفته بود، تمام اسرای خود را آزاد کرده و حقوق اولیه‌ای که هیچ‌کس برای فلسطینی‌ها نمی‌گرفت را بازستاند.

یادمان نرود ما هنوز در میانه این جنگ هستیم. نتیجه این جنگ که با ورود مستقیم آمریکا، سطحی متفاوت پیدا کرد، به ایستادگی مردم ما و کل جبهه مقاومت وابسته است ولی خون مظلومان غزه و ایستادگی مجاهدان آن، امروز معادلات سیاسی جهان را تحت تاثیر قرار داده تا جایی که بر رأی کاندیداهای گنگره و سنای آمریکا نیز اثر گذاشته و حالا همه پیش‌بینی‌ها از شکست ترامپ و جمهوری‌خواهان حکایت دارد که ربط مستقیم هم به جنگ غزه، هم جنگ علیه ما و هم افزایش قیمت سوخت داشته است. دخالت مستقیم ابرقدرتی مثل آمریکا اگرچه موثر بوده ولی ایستادگی محور مقاومت، معادله یک‌طرفه را بر هم زده و امروز در این پیچ تاریخی، راهی جز ایستادگی وجود ندارد.